



## نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه

اعظم السادات موسوی، بهاره فتاحی، فاطمه زارع بیدکی، ریحانه فلاح

۱ - دانشجو، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا یزد

۲ - دانشجو، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا یزد

۳ - دانشجو، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا یزد

۴ - دانشجو، دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا یزد

[mousavi373@yahoo.com](mailto:mousavi373@yahoo.com)

[Fattaahi.bahare2015@gmail.com](mailto:Fattaahi.bahare2015@gmail.com)

[Fa.zare44@gmail.com](mailto:Fa.zare44@gmail.com)

[r.fallah1369@gmail.com](mailto:r.fallah1369@gmail.com)

### چکیده

آموزش و پرورش زمینه ساز رشد فکری، اخلاقی، فرهنگی و تربیتی انسان های یک جامعه پویا است. معلم با توجه به نفوذ معنوی و نقش الگویی خود در بین دانش آموزان، به عنوان رکن اصلی در پیشبرد این هدف محسوب می شود. معلم با محتوایی که در اختیار او قرار داده می شود برای رسیدن به هدف تلاش می کند، از جمله ملاک هایی که درگزینش و آرایه ی محتوا های تربیتی مورد توجه قرار می گیرد ملاک های اخلاقی است. راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش های آموزش اخلاق، همراه با نمونه هایی از سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در سه دسته اخلاق گرایی، پاک سازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه گردید.

**کلمات کلیدی:** معلم، تربیت اخلاقی، مدرسه

### ۱. مقدمه

اهتمام به اخلاق در مدارس غیرممکن نیست اما دشوار است. آموزش اخلاقی اگرچه لازم است ولی کافی نیست. حاصل آن نظم دادن و منضبط بار آوردن است که البته عمر و دوام زیادی ندارد. بیشتر به اطاعتی منفی و مطلق می انجامد که در نتیجه فعالیت بدنی دانش آموز در مدرسه است. از نظر برخی دانشمندان، کودک اصول اخلاقی خود را تا سن شش سالگی کسب می کند و لذا آموزش رسمی اخلاق در مدرسه به تنهایی چندان تاثیری در اخلاقی کردن وی نخواهد داشت. در واقع اگر آموزش اخلاقی با زیرساخت های فطری و قلبی آدمی سازگار نباشد، حاصلی جز ریا و نفاق ندارد و به آسانی، تربیت شکل ریایی به خود می گیرد و اخلاق به ضد اخلاق بدل می شود. به همین جهت است که مدیران و معلمان غالباً گله مندند که با وجود اندر زهای اخلاقی که در کتب درسی گنجانده شده و سخنانی که در خلال برنامه صبحگاهی برای بچه ها ایراد می شود و با وجود اشعار و جملات جالبی که بر در و دیوار مدرسه وجود دارد، بازهم رفتارهایی مثل تقلب، دروغگویی، بی نظمی، خشونت و پرخاشگری اسباب زحمت شان است. واقعیت این است که بچه ها آن اندازه که تحت تاثیر رفتار و کردار بزرگ ترها قرار می گیرند به گفتار هر چند زیبا و اغواکننده آنها واقعی نمی نهند. به ویژه در روزگار امروز که به یمن گسترش اطلاعات در رسانه های گوناگون، سطح



معلومات و دانش آنها در مسائل اخلاقی و اعتقادی بالا رفته است. مثلاً گاهی با تماشای یک فیلم مذهبی، بهتر و بیشتر از معلم خود که می‌کوشد قصه آن را باز گوید، به موضوع اشراف دارند و کم و بیش اشتباهات احتمالی معلم‌شان را هم یادآور می‌شوند. با این حال، همه اینها نوعی باور دانشی است و هنوز مانده تا به باور قلبی یعنی تربیت اخلاقی برسد.

مقصود از تربیت اخلاقی، فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است. برای همین است که در هر کشور آداب و رسوم اجتماعی ویژه‌ی بر اساس ملاحظات نژادی، سیاسی، دینی و جغرافیایی ظهور پیدا می‌کند که اصرار در تبلیغ آنها چه بسا به ترویج نوعی انحصارطلبی و خشونت منجر بشود. در صورتی که فرآیند اخلاق با مسائل بنیادین انسانی ارتباط دارد و در فطرت آدمی فارغ از نژاد، دین و زبان او رخ می‌نماید. پایبندی به اخلاق، وجه ممیزه حیات انسانی است. هدف غایی دین اسلام نیز تکمیل مکارم اخلاقی است. اهمیت این مساله در دنیای لجام‌گسیخته امروز که فساد و جنایت از در و دیوار آن می‌بارد، به شدت احساس می‌شود.

هدف از این تحقیق پاسخ گویی به سه سوال اساسی در زمینه ی آموزش اخلاق به دانش آموزان است:

معلم برای اجرای شیوه های اخلاقی در کلاس چه کارهایی میتواند انجام دهد؟

راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی چه چیزهایی میباشد؟

آیا معلم فقط وظیفه تدریس و آموزش را برعهده دارد؟

## ۲. تربیت اخلاقی

واژه تربیت از ریشه «رب» است و در کتاب‌های لغت، دارای معانی متعددی همچون سرپرستی، کامل کردن، اصلاح امور، تدبیر، تأدیب، چیزی را ایجاد و انشا کردن و به تدریج از حالت نقص به حد تمام رساندن و سوق دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص است. به نظر می‌رسد معنای تربیت از ریشه «رب»، همین معنای اخیر است و سایر معانی همه از آثار و لوازم این معنا باشد؛ زیرا در تمام معانی مذکور، به گونه‌ای معنای تدبیر برای سوق دادن به سوی کمال وجود دارد. در واقع، مشتقات کلمه تربیت از ریشه «رب»، مانند ربوبیت، رب، مربوب، ربانی، ربیون و ارباب، در متون اسلامی فراوان به کار رفته است (ضرابی، ۱۳۹۰).

تربیت در اصطلاح نیز عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد (مصباح، ۱۳۸۲).

تربیت اخلاقی، بخشی مهم از علم اخلاق را تشکیل می‌دهد و چون مباحث آن عمدتاً ناظر به راهکارهای عملی و ارائه توصیه‌هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش با نام «اخلاق عملی» یاد می‌شود. در مقابل، به آن بخش از مباحث اخلاقی که به توصیف خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی می‌پردازد، «اخلاق نظری» می‌گویند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳).

بدین ترتیب، تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است که در آن ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اخلاق مورد توجه قرار گرفته است (داودی، ۱۳۸۹). در این راستا نظام آموزشی نیز به سراغ تربیت اخلاقی رفته و در هدف‌گذاری خود برای همه دوره‌های تحصیلی اهداف اخلاقی را پیش‌بینی کرده است.

اهداف اخلاقی اهدافی عام هستند که باید بر تمام آموزش‌ها حاکم باشند. برای رفع اشکالات مطرح شده باید شیوه آموزش از جنبه ذهنی خارج شود و با تغییرات و تحولات اساسی، آموزش نوینی را در امر پرورش اخلاقی آغاز نماید.

به‌رحال آنچه مسلم است دانش آموز اگر به جای حفظ مطلب با مسایل سروکار داشته باشد و آنها را لمس کند، از تأثیر قابل توجهی برخوردار می‌شود. مثلاً می‌توان رفتار دانش آموز در موقعیتهای مختلف را بررسی نمود و همچنین از خودش خواست تا رفتارش را ارزیابی نماید و سپس به اصلاح رفتارهای غلط اقدام نماید. حتی می‌توان موقعیتهایی را ایجاد کرد تا دانش آموز عکس العمل خویش را بسنجد، که در کلاسهای پرورشی این زمینه‌ها ملموس تر است.

باتوجه به آنچه گفته شد، اخلاق مانند سایر رشته‌ها تنها یک برنامه درسی نیست که دانش‌آموزان مطالعه نمایند و مطالبش را حفظ نموده و نمره‌ای بگیرند و سپس همه را به فراموشی سپرده، بدون آن که در زندگی از آن بهره‌ای ببرند و نتیجه‌ای بگیرند. عده‌ای، تربیت اخلاقی را با پند و اندرز دادن مساوی تلقی می‌کنند. در حالی که موعظه تنها یک روش-آن هم روش نسبتاً ضعیفی- از روشهای تربیت



اخلاقی است. تربیت اخلاقی یاری به افراد برای کسب بینش و معرفت است تا درست را از نادرست بشناسند و بتوانند در رفتار خویش تحولات اساسی و مثبتی در رسیدن به هدف ایجاد نمایند

### ۳. شیوه های آموزش اخلاقی در کلاس

مدرسه، نخستین نهاد رسمی است که از طریق معلمان، گروه همسالان، جوّ مدرسه، و برنامه درسی تعلیمات مدنی (لنگتون، ۱۹۶۹) دانش آموزان را هم به نحوه کار اجتماع محدودشان (مدرسه) و هم جامعه‌ای که در داخل آن سهمی خواهند داشت و بالتبع از حقوق و مسئولیت‌هایی برخوردار خواهند شد قادر می‌سازد (باتری، ۱۳۹۳).

در این رابطه نقش معلمان به عنوان افرادی که در بالاترین سطح از تعامل میان‌فردی با دانش‌آموزان قرار دارند و الگویی قابل مشاهده و در دسترس برای سازندگان فردای اجتماع تلقی می‌شوند، قابل بررسی و تأمل است

در زمینه ی ارتباط جو مدرسه و رشد اخلاقی تحقیقاتی شارف، واسرمن، جنینگز و ریمن در دهه ی هفتاد انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که هر جو، شرایط خاصی را برای رشد اخلاقی فراهم می‌کند و در جو دموکراسی رشد اخلاقی تسهیل می‌شود (کدپور، ۱۳۷۵) معلم می‌تواند از شیوه‌های خاص در کلاس استفاده نماید مانند:

- طرح دقیق و عمیق اخلاق، همراه با تمثیل و طرح سئوالاتی از دانش‌آموزان در زمینه مثالهای مطرح شده
- تشویق دانش‌آموزان به مطالعه کتابهای اخلاقی
- مباحثات اخلاقی با رهبری معلم
- بحث پیرامون احساسات و ارتباطات شخصی و نکات اخلاقی آن
- اجرای نمایش هایی که دانش آموز خود ایفاگر نقشهای مثبت و سازنده باشد
- استفاده از فیلم های اخلاقی

- استفاده از ضبط، ویدیو، تا رفتارهای واقعی بچه‌ها ضبط شود و برای شناخت بیشتر از خودش به او عرضه شود

- قراردادن آنها در موقعیت هیجانی تا بتوانند مسایل اخلاقی و شخصی خود را حل کنند

- در اختیار قراردادن تجربیات دیگران، برای این که درک آنها وسعت یابد

این شیوه های اثرات بسیار مفیدی در آموزش اخلاقی و تربیت اخلاقی دارند و باعث می‌شوند دانش آموز با مسایل اخلاقی درگیر شود؛ و در اندیشه فرورود. این روشها نظر دانش آموز را جلب می‌کند و انگیزه یادگیری قوی می‌گردد. مثلا ایجاد موقعیتهای خاص هیجانی با ضبط رفتار واقعی بچه‌ها باعث می‌شود مسایل و مشکلاتشان را به شکل ملموسی بشناسند و درصدد حل آن برآیند. از نقش بازی کردن نیز می‌توان استفاده قابل توجهی نمود. اگر فردی دارای یک مشکل اخلاقی است. مثلا ترسو است باید به او اجرای نقش فرد شجاعی را داد. این شیوه باعث انتقال و ایجاد این روحیه در او می‌گردد

معلم نباید خود را به یک شیوه محدود نماید بلکه باید ترکیبی از روشها را داشته باشد

همچنین معلم باید در آموزش اخلاقی همانند کل آموزش، رعایت تفاوت فردی دانش‌آموزان را بنماید. بعضی از دانش‌آموزان به مثالهای بیشتر، بحث وسیعتر و شیوه‌های خاص تری نیاز دارند (حسینی، ۱۳۷۰)

### ۴. نقش الگویی معلم

معلم باتوجه به نفوذ معنوی اش، قلب و اندیشه و رفتار دانش آموز را تسخیر می‌نماید. تمام رفتار معلم از کوچکترین حرکات و اشارات او تا نحوه گفتار و عملش ممکن است توسط دانش‌آموزان تقلید شود

دانش آموز معلم را الگو و سرمشق اخلاق و رفتار خویش قرار می‌دهد. زیرا شاگرد معلم را سرآمد افراد و والاترین شخصیتها می‌داند، پس سعی می‌کند کمالات و شخصیت او را در خویش تجلی دهد و همان راه را برود که او رفته است. شاگرد آنچه را که معلمش خوب بداند، او نیز آن را خوب و پسندیده می‌انگارد. او معلم را محور تمام ارزشهای انسانی، اجتماعی می‌داند و بنابراین حتی گاه ضد ارزشهای وجود معلم را نیز ممکن است ارزش پندارد. در این مواقع ممکن است دانش آموز دچار تعارض و تردید گردد زیرا بین آنچه قبلا از والدین



آموخته و آنچه هم اکنون می‌بیند، اختلاف است. او نمی‌خواهد بپذیرد معلمش ممکن است اشتباه کند، در این صورت ممکن است نسبت به ارزشهایی که آموخته بی‌اعتماد گردد و یا سرگردانی و تعارض در او باقی بماند. باتوجه به آنچه گفته شد وظیفه معلم به امر تدریس و آموزش محدود نمی‌شود، بلکه معلم مسئول تربیت روح و روان و عقل و فکر شاگردانش است. او شخصیت و رفتار دانش‌آموز را شکل می‌دهد و تثبیت می‌نماید. بنابراین قبل از هر چیز شخصیت و رفتار خود معلم باید ساخته شده باشد. نقاط ضعف و قوت شخصیت معلم از حد وجود او فراتر می‌رود. بلکه تمام این قوت و ضعفها در آئینه پاک روح دانش‌آموزانش منعکس می‌شود.

پس اگر معلم دارای صداقت، گذشت، بزرگواری، انسان دوستی و غیره باشد. این صفات را به متعلمان منتقل می‌کند و اگر خود دچار خصوصیات ناپسند اخلاقی باشد، هر چند هم در باب فضایل سخن بگوید، نقاط ضعف او اثر منفی خود را باقی می‌گذارد. پس معلم باید عالم عامل باشد.

در مدرسه دو خرده فرهنگ را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد: خرده فرهنگ دانش‌آموزان و خرده فرهنگ معلمان. البته ارزش‌های این دو خرده فرهنگ متفاوت هستند. ارتباط و دلبستگی نوجوان به معلمان، تأثیر زیادی روی علاقه‌ها، نگرش‌ها، تفکرات و تمایلات وی به جای می‌گذارد. به همین خاطر، هرچه ارتباط و علاقه‌ی نوجوان به معلم بیشتر شود، آثار و پیامدهای آن بارزتر و آشکارتر خواهد شد. این ارتباط و علاقه، به شکل‌ها و رنگ‌های گوناگون درمی‌آید که اساس آن، به شخصیت معلم، میزان تعهد او به شغل خود، میزان درک و شناخت وی نسبت به مرحله‌ی نوجوانی و طریقه‌ی حل مشکلات آن بستگی دارد. چنانچه معلم نسبت به دانش‌آموزان امر و نهی، تهدید، تعقیب و آزار و شکنجه اعمال کند، دانش‌آموزان را از خود دور می‌سازد و میان خود و آن‌ها جدایی می‌اندازد؛ در نتیجه، مورد بحث آن‌ها قرار نمی‌گیرد. برعکس، معلم خوب و عادل که همواره با دانش‌آموزان هم‌کاری صمیمانه دارد و هنگام درخواست کمک، از سرزنش آنان پرهیز می‌کند، می‌تواند محبت و اعتماد دانش‌آموزان را به خود جلب کند. (بیابانگرد، ۱۳۷۶)

مربیان و مسؤولان تعلیم و تربیت، نباید از پرورش «تفکر نقاد» نسبت به فرزندان و دانش‌آموزان، غفلت کنند، زیرا برخورداری از اندیشه‌ی منتقدانه، مانع همانندسازی افراطی می‌شود و از ویژگی‌های چنین تفکری، ارزیابی منصفانه و آگاهانه نقاط قوت و ضعف الگوها و سرمشق‌های انسانی خواهد بود.

آموزش شیوه‌ی نقد اندیشه‌ها و تحلیل رویدادها، کمک شایان توجهی به این نسل خواهد کرد. زیرا بیش‌تر جوانان حوادث را درک می‌کنند، اما قدرت تحلیل آن‌ها را ندارند و نیز برقراری رابطه بین حوادث با سایر پدیده‌های اجتماعی، در توان همه‌ی نسل جوان نیست، بلکه معدودی می‌توانند به تحلیل منطقی بپردازند.

## ۵. زمینه‌سازی اخلاق در آموزش و پرورش

محیط تعلیم و تربیت نیز همچون خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت زمینه‌ساز است. همه محیط‌های آموزشی \_ اعم از مراکز نگهداری کودکان، دبستان‌ها، مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها \_ باید عطر و بوی فرهنگ مهدویت داشته باشند. نقش معلم و مربی نیز در شکل‌گیری شخصیت انسان منتظر و ساختار روحی و رفتاری او نقشی کلیدی است؛ به گونه‌ای که متعلم و مربی ممکن است در تمام حرکات و سکنات خود تحت تأثیر قرار گیرد و همه چیز خود را از معلم و مربی، نمونه برداری کند. از این‌رو باید بدین امر توجهی تام داشت.

در واقع، هر اندازه مربیان انسان، واجد کمالات والا باشند، به همان اندازه می‌توانند نقش مثبت و کارگشایی را در رشد فکری و اخلاقی انسان‌ها ایفا کنند؛ چنان‌که پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) اثرگذاری معنوی و روحی را در حد اعلای آن داشتند و در عصر ظهور و انسان‌های بسیار وارسته و برگزیده همراه او، چنین نقش‌پویایی را ایفا خواهند کرد (کارگر، ۱۳۷۸)؛ زیرا انسان در پرتو رشد فکری و اخلاقی راه کمال و سعادت را می‌پیماید و از گردنه‌های سخت انحراف عبور می‌کند.

روش زمینه‌سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه‌ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می‌دهد (باقری، ۱۳۹۱)

در واقع، فرهنگ زمینه‌سازی، تلاش مستمر برای شناخت ارزش‌ها و باورها و مشخص کردن اهداف، راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها با نظارت و کنترل است.



## ۶. اخلاق و محتوای تعلیم و تربیت

امروزه در این باره که بخشی از آن چه به دانش آموز انتقال داده می شود، باید فضایل اخلاقی و مناسبات انسان دوستانه در ارتباطات گروهی و رعایت هنجارهای اخلاقی در استفاده صحیح از طبیعت باشد، بحثی نیست؛ اما باید توجه شود از ارائه مستقیم اخلاقیات پرهیز شود و کمتر اخلاقیات در قالب یک درس و یک کتاب آموزش داده شود؛ بلکه تلاش شود اخلاقیات به صورت غیرمستقیم و ضمن سایر دروس آموزش داده شود؛ چرا که در غیر این صورت، نه تنها درس اخلاق به لفاظی اخلاقی خواهد انجامید، بلکه آن هم به مانند سایر دروس، به صورت حفظی \_ یادسپاری و یادآوری و تکرار بدون کمترین کاربرد عملی، تدریس خواهد شد (پورظهیر، ۱۳۷۱).

## ۷. اخلاق و مقررات آموزشی و پرورش

در حوزه آموزش و پرورش، اخلاق و قواعد اخلاقی هم در قالب نوع عمل و رفتاری که از متصدیان و مجریان و نیز مخاطبان آموزش و پرورش انتظار می رود و هم درباره مقررات ناظر به تحقیقات و دانش تعلیم و تربیت، تجلی ویژه ای دارد. از دیرباز تاکنون، اخلاقیات آموزشی \_ که همان رفتارهای شایسته و هنجارهای مناسبی است که استاد نسبت به شاگرد و شاگرد نسبت به استاد باید در نظر داشته باشد \_ جایگاهی خاص دارند؛ امری که گاه از آن به «آداب آموزشی» (ادب معلم و استاد و ادب درس و...) تعبیر می شود. این آداب، گذشته از آن که فرایند یادگیری را رونق خاصی می بخشند، نوعی تعامل و رابطه عاطفی ویژه را در محیط آموزشی و تربیتی ایجاد می کنند و خود، از مؤثرترین شیوه های آموزشی و ترویج فضایل اخلاقی به شمار می آیند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۹).

تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آنها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می دهند، اطلاق می شود. آنچه که در مدرسه به طور آگاهانه انجام می گیرد (جهت تربیت اخلاقی و ارزشی) به یادگیری های برنامه ریزی شده و هدفمند و عاملانه در برنامه های درسی اشاره دارد. این فعالیت آگاهانه به برنامه درسی - که خود موضوع درسی، محتوا و مهارت های خاص و نگرش های از قبل تعیین شده را شامل می شود - مربوط است. به هر حال، تلاش دانش آموزان برای فهم و درک این که چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، به شدت تحت تاثیر جنبه های برنامه ریزی نشده و جنبه های آشکار و پنهان کار مدارس قرار می گیرد در این زمینه راهکارهایی زیر ارایه می شود

راهکارهای زمینه سازی تربیت اخلاقی در نظام آموزشی :

۱. توجه به اهمیت و ارزش اخلاق (اخلاق گرایی)

- ایجاد فضای اخلاقی در محیط های آموزشی

- محبت معلم نسبت به دانش آموز

۲. پاک سازی ردایل

۳. روش های اصلاح ردایل

۴. زیباسازی اخلاقی

۵. آگاهی سازی و بصیرت افزایی اخلاقی

## ۸. نتیجه گیری

توجه به اهداف اخلاقی در تعلیم و تربیت، از مهم ترین توصیه ها و دغدغه های آموزش و پرورش در جهان است. تربیت اخلاقی زمینه ساز به معنای پرورش ملکات فاضله انسانی و تقویت روحیه ایمانی و ارزش گرایی در شخص است. شخص تنها در پرتو تقوا و اخلاق الهی می تواند به امام معصوم خود نزدیک شده و در مسیر هدایت قرار گیرد. دوری از اخلاق الهی و پیروی از نفس در اخلاقیات، انسان را از مسیر هدایت دور کرده و در نهایت از صف منتظران واقعی خارج می سازد.



راهکارهای زمینه‌سازی تربیت اخلاقی در آموزش و پرورش، با تأکید بر روش‌های آموزش اخلاق، همراه با نمونه‌هایی از سیره پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) در سه دسته اخلاق‌گرایی، پاک‌سازی اخلاقی و زیباسازی اخلاقی ارائه گردید. از جمله اخلاقیاتی که باید افزون بر اخلاق‌گرایی شخصی و فردی بدان توجه داشته باشد، «اخلاق اجتماعی» است. رعایت اخلاق اجتماعی می‌تواند مکر دشمنان و نقشه‌های شیطانی استعمارگران را از بین ببرد و رضایت خداوند متعال، رسول خدا(ص)، اهل‌بیت(ع) و به‌ویژه امام زمان(عج) را به همراه داشته باشد. از جمله راهکارهایی که در حوزه‌های اخلاق فردی و اجتماعی مطرح می‌شود، ایجاد فضای اخلاقی در محیط‌های آموزشی و محبت معلم نسبت به دانش‌آموز است. دومین گام در تربیت اخلاقی، «پاک‌سازی اخلاقی» است. از ابتدای تاریخ، طهارت و پاک‌سازی \_ چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی \_ مد نظر علما، اندیشمندان و بزرگان بوده است. همچنین گفته شد که از بزرگ‌ترین موانع تربیت زمینه‌ساز، اخلاق زشت و نکوهیده است که باید از وجود متریبان پاک شود؛ زیرا پیراستگی اخلاقی و از بین بردن بدی‌ها و اخلاقیات ناپسند از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمن است که راه زمینه‌سازی برای رسیدن به موعود را برای او هموار می‌کند.

نظام آموزشی، معلمان و سایر دست‌اندرکاران با توجه و انجام دادن راهکارهای ذکر شده می‌توانند وظیفه خود را انجام داده و به دانش‌آموزان و جامعه برای ایجاد جامعه‌ای منتظر کمک کنند

#### مراجع

- [1] - باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۹۱ش، تهران، انتشارات مدرسه، صفحات. ۵۱-۵۲
- [2] - بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۶ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- [3] - پورظهیر، علی‌نقی، «آموزش اخلاق در دبستان»، مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی، ۱۳۷۱ش، تهران، انتشارات تربیت، صفحات. ۱۵۸-۱۷۲
- [4] - حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، چشم‌اندازی به جایگاه و نقش اخلاق در آموزش و پرورش، کتاب دوم تربیت اسلامی، ۱۳۷۹ش، تهران، نشر تربیت اسلامی، ص. ۲۱۰
- [5] - حسینی، افضل الملوک، تربیت اخلاقی (۳) جایگاه مدرسه در تربیت اخلاقی، مجله تربیت، آذر ۱۳۷۰، شماره ۶۳
- [6] - داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت (تربیت اخلاقی)، ۱۳۸۹ش، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صفحات. ۱۰-۱۱
- [7] - دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ۱۳۸۳ش، قم، نشر معارف، ص. ۱۸.
- [8] - ضرابی، عبدالرضا، «تربیت محبت‌محور»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۳۹۰ش، سال سوم، ش ۱
- [9] - کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، ۱۳۷۸ش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی(عج، ص. ۹۵).
- [10] - کدپور، پروین، ۱۳۷۵. (بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی در رابطه با جو سازمانی مدرسه و نحوه‌ی تعامل معلم با دانش‌آموزان). فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۴۸

5 Feb 2016



اولین کنفرانس علمه پژوهش راهکارهای  
توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران  
۱۶ بهمن ماه ۹۴

**1<sup>st</sup> Scientific Conference on strategies  
for promoting science education in Iran**

**[http:// nseconf.ir](http://nseconf.ir)**

[11] - مصباح یزدی، محمدتقی، نقش تقلید در زندگی انسان، ۱۳۸۲ ش، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص. ۷۲

[12] - Bottery, Mike(1993). The Ethics of Educational Management. London: Cassel Educational, Limited

[13] -Langton, Keneth R(1969). Political Socialization. New York: Oxford University Press, Inc. -